



جستاره کوبی

سخنرانی فیلیپ رایینز* در مرکز تحقیقات استراتژیک

خاور میانه و سناریوهای آینده

موضوع بحث من «سناریوهای مختلف برای آینده خاورمیانه» است. همه می دانیم که منطقه خاورمیانه همیشه در قلب سیاست جهانی قرار داشته و هر گونه تغییر و تحولی در این منطقه بازتاب های بسیار زیادی بر مناسبات میان قدرت های بزرگ داشته است. اهمیت منطقه خاورمیانه بزرگ که حاکی از گسترش حوزه جغرافیای سیاسی این منطقه می باشد، به ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر به شدت افزایش یافته است. از همین رو فکر می کنم، ضرورت دارد سناریوهای گوناگونی که درباره آینده این منطقه وجود دارد، مورد بررسی و مطالعه بیشتر قرار گیرد.

* استاد دانشگاه آکسفورد و محقق مرکز مطالعات خاورمیانه کالج سنت آنتونی

۱- سیاست منطقه‌ای

حوزه سیاست منطقه‌ای از همه مناقشه‌برانگیزتر است. نخستین متغیر در این حوزه، سیاست خارجی آمریکا نسبت به عراق و آینده این کشور است که درباره اهمیت آن شکی نیست. دومین متغیر، مسئله مهم فلسطین و اسرائیل است که با توجه به این که درگیری‌ها به اوج خود رسیده و وارد مرحله جدیدی شده، اهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است. سومین متغیر، افغانستان است که نظر به تداوم حضور نیروهای نظامی کشورهای غربی و نیز لزوم ثبات در آن کشور مسئله مهمی است. در کنار این متغیرها مسئله اسلام‌گرایی در منطقه نیز دارای اهمیت بسیاری است و می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای دیگر از جمله مسئله فلسطین تأثیرگذار باشد.

۲- اقتصاد منطقه‌ای

در حوزه اقتصاد منطقه‌ای سه متغیر قابل شناسایی است: ۱- متغیر قیمت نفت و درآمدهای نفتی کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه و به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس. ۲- متغیر اصلاحات اقتصادی در راستای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و حرکت به سوی ایجاد اقتصادی با پایه‌های گسترده‌تر و در واقع تنوع‌بخشی به اقتصاد که در دستور کار بسیاری از کشورهای منطقه از

دهه ۱۹۸۰ قرار داشته است. در دهه ۱۹۹۰ نیز نظام‌مندتر کردن اصلاحات اقتصادی مطرح شد، اما با موفقیت اندکی همراه بود. ۳- متغیر سوم در این حوزه که در کوتاه مدت اهمیت کمتری دارد، گزینه‌های بیشتر در زمینه تقاضای انرژی از سوی کشورهای مصرف‌کننده است. به تعبیری دیگر، انرژی وارداتی که از دو بخش تشکیل می‌شود، نخست این که تا چه اندازه کشورهای مصرف‌کننده به سوی وارد کردن نیازهای نفت و گاز خود گرایش دارند و تا چه اندازه به لحاظ اتکای بیش از حد به منابع انرژی وارداتی از یک منطقه خاص از جهان احساس راحتی می‌کنند. این مسئله در آینده حساس‌تر خواهد شد.

۳- مسائل استراتژیک

در حوزه مسائل استراتژیک سه متغیر مهم قابل تأکید است: مسئله سلاح‌های کشتار جمعی و همراه با آن سیستم‌های پرتاب، نظیر موشک‌های بالستیک که در جنگ ایران و عراق شاهد استفاده گسترده از آنها بودیم و طی ده سال گذشته نیز نگرانی‌های گسترده‌ای را پدید آورده است. چنانچه رژیم بعدی عراق مایل به تولید سلاح‌های کشتار جمعی نباشد، آن‌گاه ایران و دیگر کشورهای منطقه نیز تمایلی برای دستیابی به این سلاح‌ها نخواهند داشت. و همچنین در صورت حل و فصل کشمکش اعراب و اسرائیل، نیاز به گسترش این گونه سلاح‌ها

کاهش پیدا می کند. نگران اند که در صورت نبود حکومت مرکزی نیرومند در عراق، شمال عراق به صورت پایگاهی برای پ ک ک در آید. حالت مطلوب برای ترکیه پایان دادن به بی ثباتی در عراق و نیز پایان دادن به خلأی سیاسی در عراق می باشد که ممکن است مورد بهره برداری پ ک ک قرار گیرد. چنانچه کردهای عراق به خودمختاری دست یابند، این انتظار برای کردهای ترکیه نیز به وجود خواهد آمد که از خودمختاری برخوردار شوند.

سناریوها

با توجه به متغیرهای ذکر شده، سه سناریو در خصوص ثبات در خاورمیانه بزرگ ارایه می شود که به سناریوی بهترین حالت، سناریوی بدترین حالت و سناریوی میانه طبقه بندی می شوند. سناریوی بهترین حالت به وضعیتی گفته می شود که در آن جهت گیری رویدادها به سمت ثبات بیشتر است، در حالی که سناریوی بدترین حالت به وضعیت رو به بی ثباتی اطلاق می شود. دوره زمانی این سناریوها، دوره کوتاه مدت، یعنی تا یک سال آینده، دوره میان مدت یعنی یک دوره تا پنج ساله می باشد. البته می توان در مورد این منطقه برای دوره های زمانی بلند مدت تر از پنج سال نیز سخن گفت. اما این امر تنها به کار پیش بینی رشد جمعیت و گسترش بازار کار می آید. سناریوسازی به معنی انجام پیش بینی های

متغیر دوم، مسئله تروریسم است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با تروریسم گذشته تفاوت پیدا کرد. در تروریسم جدید کشتار شمار زیادی از مردم مطرح است که آثار روانی شدیدی بر کل جامعه باقی می گذارد.

متغیر سوم، دکترین راهبردی ترکیه است. نقش ترکیه به ویژه برای تغییر رژیم در عراق بسیار مهم است. ترکیه به لحاظ موقعیت خود در کمربند شمالی و نیز همسایگی با سوریه و ایران، به ویژه در ارتباط با مسئله کردستان از اهمیت خاصی برخوردار است. هم اکنون ترکیه برای تثبیت اوضاع اقتصادی خود نیاز به ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار دیگر وام از صندوق بین المللی پول دارد که با توجه به نفوذ آمریکا در صندوق، موجب کمک احتمالی ترکیه به آمریکا در عملیات خود در عراق خواهد شد. ترکیه در عین حال نگران پیامدهای تغییر رژیم در عراق است که مهم ترین آن ایجاد دولت مستقل کردها در شمال عراق می باشد. پیش بینی می شود که در صورت تغییر رژیم در عراق، چشم انداز ایجاد یک دولت مستقل گردد در آن کشور بسیار ضعیف باشد و دولت های منطقه ای قادر به کنترل اوضاع در شمال عراق شوند.

طبیعتاً ترکیه از ایجاد یک دولت دموکراتیک در عراق و اعطای خودمختاری به کردها خرسند نخواهد شد. ترک ها از این

قطعی و دقیق درباره آینده نیست، بلکه بیشتر به معنی ارایه ایده‌هایی است که نشان دهنده سمت و سوی تحولات آینده است. و در عین حال از حدس و گمان‌های معمولی نیز فراتر می‌رود. هنگام تهیه سناریو و یا سناریوهای رقیب باید توجه داشت که این سناریوها ممکن است با یکدیگر همپوشی داشته و مکمل یکدیگر باشند، نه این‌که الزاماً جدا از هم و مانع‌الجمع باشند. براین اساس سناریوهای محتمل برای آینده منطقه در دو دوره زمانی کوتاه مدت (یک ساله) و میان مدت (یک تا پنج ساله) به گونه زیر قابل ترسیم است:

می‌توان آن را در سناریوی بدترین حالت گنجانده. در مورد عربستان باید گفت که رهبری شجاعانه شاهزاده عبدا... از سال ۱۹۹۸ این کشور را به سوی اصلاحات اقتصادی و سیاسی رهنمون کرده است، اما مدیریت روابط سیاسی و نیز مالی این کشور با آمریکا و دفاع از حقوق مردم فلسطین احتمالاً ذهن رهبران سعودی را متوجه مسائل سیاسی می‌کند و از اصلاحات داخلی دور خواهد ساخت.

ب- سناریوی میانه

مسئله فلسطین و افغانستان در این سناریو جای می‌گیرند. طی دوازده ماه آینده میزان زیادی از اراده سیاسی و فعالیت دیپلماتیک معطوف به این دو موضوع خواهد شد. در مورد افغانستان، طالبان و القاعده از قدرت کنار رفته‌اند، اما هنوز کاملاً شکست نخورده‌اند و شکست کامل آنان ممکن است طی این مدت تحقق پیدا کند. همچنین تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که ایالات متحده زمان لازم را برای ایجاد تغییر و ثبات در افغانستان دست کم گرفته است. بازسازی افغانستان نیز تا کنون محدود بوده و به بودجه بسیار زیادی نیاز دارد.

در زمینه مسئله فلسطین باید گفت که خشونت‌های شدید در آنجا جریان دارد و این برداشت وجود دارد که آمریکا باید کاری انجام دهد و به مدیریت کشمکش بپردازد. ما شاهد تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار بحران هستیم،

۱- دوره کوتاه مدت الف - سناریوی بهترین حالت

در کوتاه مدت، واقعیتی که از نظر کشورهای تولیدکننده نفت اهمیت دارد، قیمت نفت است. در سه ماهه نخست سال جاری قیمت نفت به خاطر تنش‌های منطقه‌ای از جمله بحران در سرزمین‌های اشغالی و اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر ضرورت تغییر رژیم عراق افزایش یافت. تصور بر این است که قطعاً در یک سال آینده، قیمت نفت به یکباره، سه برابر نخواهد شد و نیز از ۱۸ دلار پایین‌تر نخواهد رفت. البته در سناریوی بهترین حالت قیمت نفت در سطح بالای ۲۰ دلار تثبیت خواهد شد. در مورد اصلاحات اقتصادی انتظار نمی‌رود در این زمینه پیشرفتی حاصل شود و

اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر پایان دادن به کشمکش در ماه‌های آینده در دست نیست.

ج- سناریوی بدترین حالت

در این سناریو، مسئله عراق و محاسبات استراتژیک ترکیه جای می‌گیرد. ایالات متحده متعهد به تغییر رژیم در عراق و نیز بازگشت بازرسان سازمان ملل به عراق و در صورت عدم تحقق این امر، ارایه آن به عنوان دلیلی برای جنگ طلبی عراق است. اطلاعاتی از زمان بندی و چگونگی عملیات برای تغییر رژیم در بغداد در دست نیست. مشخص نیست که اگر عراق با بازگشت بازرسان سازمان ملل موافقت کند، آمریکا چه دلیلی برای جنگ طلبی عراق مطرح خواهد کرد. اگر بحران فلسطین در عرض دوازده ماه آینده مهار شود، این احتمال وجود دارد که اقدام آمریکا علیه عراق صورت جدی تری به خود بگیرد. از سوی دیگر، اگر بحران فلسطین و بحران افغانستان شعله‌ورتر گردد، می‌توان استدلال کرد که موضوع عراق از سناریوی بدترین حالت خارج و به سناریوی میانه منتقل شود.

۲- دوره میان مدت

در خصوص مسئله فلسطین در یک سناریوی بهترین حالت و در یک دوره میان مدت باید گفت که طی دوره پنج ساله آینده ممکن است شارون و حزب لیکود و حتی خود بوش از

صحنه خارج شوند و احتمال زیادی وجود دارد که یک راه حل سیاسی برای پایان دادن به این کشمکش حاصل نشود. اگر به راه حلی دست یافته شود، بهتر است آن را در سناریوی میانه جای داد. طی این دوره پنج ساله اگر به موضوع افغانستان توجه کنیم، می‌توان ادامه وضعیت هرج و مرج و سردرگمی و در عین حال موفقیت‌های بزرگ در بازسازی و یا در زمینه دولت‌سازی را مد نظر قرار داد. اصلاحات اقتصادی را نیز باید در سناریوی میانه قرار داد. قیمت نفت نیز طی پنج سال آینده همچنان دچار نوسانات شدید خواهد بود. اما به نظر می‌رسد که چنانچه قیمت‌ها بسیار بالا باشد، این امر برای کشورهای صادرکننده نفت از جمله برای بریتانیا بسیار خوشایند خواهد بود و اگر قیمت‌ها پایین بیاید، ممکن است اسباب نگرانی شود، اما به تمرکز بر اصلاحات اقتصادی منجر خواهد شد.

در مورد تقاضای انرژی، روند کلی در این زمینه احتمالاً به سوی تنوع بخشی به مسئله تأمین انرژی خواهد بود و ایده احداث خطوط لوله نفت و گاز را تقویت خواهد کرد. هنگامی که تأیید شود سطح منابع هیدروکربور در دریای خزر تا چه اندازه است، راه برای تنوع بخشی به منابع انرژی هموار خواهد شد و همچنین در این میان سطح تولید نفت کشورهای غیر عضو اوپک نیز اهمیت دارد و می‌تواند از اتکا به منابع نفتی کشورهای اوپک بکاهد.

به نظر من، طی دوره پنج ساله آینده احتمال

بسیار زیادی وجود دارد که سلاح‌های کشتار جمعی بیشتری گسترش پیدا کند. لزوماً این به معنای گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیست، بلکه ممکن است به معنای گسترش سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک باشد.

تروریسم جدید نیز طی این دوره ابعاد گسترده‌ای پیدا خواهد کرد. سازمان‌هایی که باعث بروز رویدادهایی مانند ۱۱ سپتامبر شدند، فرصت را می‌یابند تا خود را بازسازی کنند و شبکه‌های جدیدی به وجود آورند. در پنج سال آینده، احتمال بسیار زیادی برای تغییر رژیم در کشورهایمانند عراق وجود خواهد داشت و در واقع تلاش آمریکا در این زمینه احتمالاً موفقیت‌آمیز خواهد بود. همچنین در میان مدت احتمال نزدیکی روابط میان ایران و آمریکا نیز وجود ندارد.

فشرده بحث

به طور کلی توزیع متغیرها در سناریوی میانه از تراکم بیشتری برخوردار است، زیرا اکثر افراد در اکثر اوقات به آن تمایل بیشتری دارند. مطابق این الگو، در کوتاه مدت گرایش به بدترین حالت وجود دارد و در دوره طولانی‌تر ممکن است توازنی میان سناریوی میانه و بدترین حالت ایجاد شود. اما وزن سناریوی بهترین حالت در آن پایین است که این نشانه نوعی بدبینی و نیز مایه نگرانی برای منطقه

است. پرسش این است که چگونه می‌توان این الگو را شکست؟ این که حضور قدرت‌های بزرگ در سیاست منطقه‌ای و سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ژاپن بتواند در پنج سال آینده به گونه‌ای تأثیرگذار شود، چندان محتمل نیست، زیرا قدرت‌های بزرگ هم اینک نیز در منطقه حضور دارند و سازمان ملل نیز از اعضای خود تشکیل شده است و اعضای قدرتمندتر در آن نقش بیشتری دارند و بعید است که بتوانند از خود ابتکارات شجاعانه نشان بدهد. برخی رویدادها ممکن است به شکستن این الگو کمک کنند. برای نمونه ممکن است فردا صدام حسین دچار حمله قلبی شود، اما به سختی می‌توان محاسبات استراتژیک را بر این رویدادها مبتنی ساخت.

اگر در پنج سال پیش یعنی در سال ۱۹۹۷ قرار بود سناریویی را تدوین کنیم، با توجه به عواملی همچون روند صلح فلسطین و اسرائیل که به نظر می‌رسید به خوبی در جریان است، برنامه اصلاحات اقتصادی که به نظر می‌رسید رهبران دولت‌ها از آن استقبال کرده و با جدیت آن را دنبال می‌کنند، و دخالت ایالات متحده که به ویژه در زمینه کشمکش اعراب و اسرائیل در آن زمان خوشایندتر بود، سناریویی که تدوین می‌شد وزنه بهترین حالت را بیشتر می‌کرد.